

گاهنامه واحد بین الملل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل
ویژه نامه طوفان الاقصی || شماره دهم
آبان ماه ۱۴۰۲ || ربیع الثانی ۱۴۴۵

کلید سزاگود فرج

#مقاومت_توحیدی

گاهنامه



تقدیم بہ روح پاک ۳۵ خیرنگار شہید راہ قدس

GAZA



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ
اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

مِلَّةَ النَّاسِ

گاهنامه کمیته بین الملل اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل
شماره دهم | پنجمین سال انتشار | آبان ماه هزارچهارصد و دو

■ ■ ■ صاحب امتیاز ■ ■ ■

اتحادیه انجمن های اسلامی
دانشجویان مستقل دانشگاه های

سراسر کشور

.....

■ ■ ■ مدیرمسئول و سردبیر ■ ■ ■

علی محمولی

.....

■ ■ ■ هیئت تحریریه ■ ■ ■

علی محمولی، امیرحسین قربانی،
امیرعباس دردانه، ساجده صداقت،

فاطمه جوانمردی

.....

طراح جلد: مهدی دشتبانی

صفحه آرا: علیرضا زارع

فهرست مطالب

واکاوی

- ۲ یوم کیشلون
۷ از کفار عزا تا نوار غزه
۱۲ اسرائیل، منفورترین صورت ماتریالیسم

تاریخی

- ۱۸ تأسیس رژیم صهیونیستی
۲۵ شهادت مبارک
۲۶ یرحاً

دیدگاه

- ۲۷ نقدی بر سخنان سید مقاومت
۳۰ توهم خطرناک اسرائیل

هرچند که ادعای اشراف اطلاعاتی صهیونیست‌ها بارها در گذشته زیر سوال رفته، اما هرگز به این شکل شکسته نشده بود



بوم‌کیشلون

علی محمولی؛ کارشناسی مهندسی شیمی، ورودی ۱۳۹۸

کلید رمز آلود فرج

۶ اکتبر سالگرد چهارمین نبرد مسلمانان با رژیم صهیونیستی است؛ جنگی که غافلگیری بزرگی برای این رژیم محسوب می‌شد و چه بسا منجر به نابودی کامل آن می‌گشت اگر اشرف مروان، داماد مرحوم جمال عبدالناصر و از مقامات بلند پایه سازمان اطلاعات مصر به وطن خود خیانت نکرده بود و آن عملیات بزرگ را پیش از شروع برای رژیم افشا نکرده بود.

جنگ رمضان در روز ۶ اکتبر (مصادف با عید «یوم کیپور» در ماه یهودی تیشرای) با حمله برق آسا و همزمان در دو جبهه آغاز شد؛ مصری‌ها به صحرای اشغالی سینا حمله کردند و سوری‌ها به بلندی‌های اشغالی جولان، اما در نهایت به دلیل حمایت‌های سنگین ایالات متحده و پیش‌آگاهی رژیم از جنگ، اعراب شکست خوردند و پیروزی رژیم

جزئیات این عملیات با اینکه از نظر اجرایی، به تجربه مسلمانان از گذشته باز می‌گردد که پیشتر به نمونه‌ای از آن اشاره شد، اما دلیل دیگری هم برای آن وجود دارد. علیرغم اینکه غالب بدنه فرماندهان و تصمیم‌گیران ایالات متحده مقاومت مشخصا از آن حمایت می‌کنند، اما در پشت درب‌های بسته احتمال بسیار زیاد و در صورت در جریان بودن از آن، بعضی از افراد که ممکن است در بدنه غیرنظامی این دو سازمان نیز باشند، با اجرای عملیات مخالفت‌هایی می‌کردند و در صدد متوقف کردن حماس و جهاد اسلامی از کانال‌های مختلف من جمله ایران و حزب‌الله بر می‌آمدند و همین می‌توانست مانند آنچه در قضیه مروان دیدیم، با درز دادن اطلاعات، آسیب مهلکی به موفقیت طوفان الاقصی وارد کند.

هرچند که طوفان الاقصی در حقیقت با اشغال سرزمین فلسطین تحت قیمومیت پادشاهی استعماری بریتانیا و شکل‌گیری دولت یهود آغاز شد، اما اصل آن دو سال پیش از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، به طور دقیق‌تر، مدتی پس از پایان نبرد سیف القدس آغاز شد. اولین مرحله آن زمانی شروع شد که به شکل اعجاب‌آوری زندانیان فلسطینی از شکنجه‌گاه‌های صهیونیست‌ها شروع به فرار کردند و گلوله‌های جنگی پادگان‌ها گم شد.

عملیات طوفان الاقصی در دو بعد، هیمنه رژیم صهیونیستی را نابود کرد. بعد اول، زمین‌ه امنیتی است. شین بت (یا شاباک؛ سازمان امنیت داخلی)، موساد (سازمان اطلاعات و امنیت خارجی) و آمان (اطلاعات ارتش) هر سه کاملاً از عملیات بی‌خبر بودند و با آن که طبق شنیده‌ها، مصر مدتی قبل از احتمال یک تنش در

منجر به اولین عادی‌سازی روابط بین یک کشور مسلمان با رژیم شد. یک سال پس از نبرد رمضان و ذیل معاهده کمپ دیوید که حاصل ده روز مذاکره محرمانه بین سادات (رئیس جمهور معدوم مصر) و مناخیم بگین (نخست وزیر رژیم) در اقامتگاه شخصی رئیس جمهور ایالات متحده در کمپ دیوید بود، مصر اسرائیل را در ازای باز پس گرفتن شبه جزیره سینا به رسمیت شناخت و برای همین سادات و بگین به عنوان برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۷۸ معرفی شدند. پس از این اتفاق بود که در سالگرد نبرد اکتبر، خالد اسلمبولی از اعضای سازمان جهاد اسلامی مصر در یک رژه نظامی، با شعار «مرگ بر فرعون» سادات را به رگبار بست و وی را کشت.

اکنون پنج دهه از حوادث نبرد اکتبر می‌گذرد و دنیا، برای اولین بار در هفتاد و شش سال گذشته از زمان تاسیس رژیم صهیونیستی، شاهد عملیات «طوفان الاقصی» به عنوان اولین عملیات تهاجمی فلسطینیان برای گرفتن حق خود است، آن هم درست در سالگرد این جنگ معروف. با این حال، عملیات طوفان الاقصی از آن جایی حائز اهمیت است که در ارکان عملیات شامل اطلاعات، طراحی و اجرا، همه کار بر عهده خود فلسطینیان بوده است و هیچ گروهی در اجرای آن دخیل نبوده و احتمالاً به جز امین‌ترین فرماندهان مقاومت و تعدادی از نیروهای معتمدی که بنا بود از طرق مختلف مثل هوابرد به سرزمین‌های اشغالی نفوذ کنند و باید از مدت‌ها قبل در فضایی امن تمرین می‌کردند، نیروهای دیگر نیز حتی از نفس کار مطلع نبوده‌اند.

اهمیت داخلی نگاه داشتن کلیات و

رژیم در ساعات اول صرفاً از فلجی مغز دچار فروپاشی می‌شد.

ستون اتکای دیگر رژیم که بعد دوم ماجرا است، توان او در بایکوت هرگونه حمایت از فلسطین و ضعف‌های خود است. نفوذ زرسالاران صهیونیست که تقریباً هیچکدام در سرزمین‌های اشغالی ساکن نیستند بر رسانه‌ها و دولت‌ها، همواره این اهرم قدرتمند را در اختیار آنها قرار داده بود تا بتوانند هر خبری که به ضررشان باشد را با حداکثر توان بایکوت کنند. با این حال، ظلم و ستمی که بر فلسطینیان ارزانی داشتند و کشتار زنان و کودکان مظلومی که

سرزمین‌های اشغالی به رژیم هشدار داده که بعید است درز اطلاعات بوده باشد، اما هیچکدام کمترین آمادگی برای این شدت و پیچیدگی از عملیات را نداشتند. همین عدم اطلاع تا زمان شروع عملیات، یکی از دو ستونی که این رژیم کودک‌کش با اتکا بر آن خود را ابرقدرت نشان می‌داد شکست، یعنی اشراف اطلاعاتی. صهیونیست‌ها سال‌ها بر اشراف بسیار بالای خود بر تهدیدات داخلی و خارجی می‌بالیدند و آن را پشتوانه قدرت خود می‌دانستند؛ هرچند که این اشراف بارها در دهه‌های قبل زیر سوال رفته بود (مثلاً در المپیک مونیخ)، اما هرگز به این شکل شکسته نشده بود. ناتوانی در



راه انداختند - که حجم آن را می‌توان با «رودخانه‌های خون» که با فتح اورشلیم در جنگ‌های صلیبی با کشتار مسلمانان و مسیحیان جاری شد، مقایسه کرد - چنان قلب جهانیان و تمام افرادی که ذره‌ای انسانیت در خود داشتند را به درد آورد که هیچ میزان پروپاگاندا و سانسوری توان جلوگیری از انتشار آن را نداشت و فقط در یک نمونه شهر لندن، شهری که بیانیه بالفور در آن قرائت شد، شاهد تجمعی ۳۰۰،۰۰۰ نفری در حمایت از فلسطین بود که صدر اخبار رسانه‌های جهان شد.

تشخیص و مبارزه پیشینی با آن توسط رژیم در کنار پیچیدگی بالای عملیات که در ساعات اول کشته و اسیر زیادی از جانوران صهیونیست گرفت، منجر به موجی از ترومای شدید و آشفتگی در ارکان عالیه امنیتی - نظامی و سیاسی رژیم شد، آن چنان که توانایی ساده‌ترین تصمیم‌گیری‌ها را از دست دادند و اگر فرماندهان پنتاگون با تجهیزات خود به سرعت وارد عمل نمی‌شدند و اداره اتاق جنگ در اعماق زمین‌های یافا را به دست نمی‌گرفتند،

سید حسن نصرالله، به مرور و در صورت طولانی شدن جنگ، ابتدا پراکنندگی درگیری‌ها بیشتر خواهد شد و با شیب ملایم‌تری شدت درگیری‌ها در منطقه افزایش می‌یابد تا از فشار بر مقاومت داخل فلسطین نیز کاسته شود. البته، انصارالله کمی داستان متفاوتی دارند، هرچند آنها نیز با جغرافیای دیگری مانند اریتره شروع کردند اما «تست»‌های آنها در پرتاب راکت به سمت سرزمین‌های اشغالی و بندر ایلات به طور خاص، در کنار کمک به مقاومت فلسطین، با هدف از بین بردن امنیت اقتصادی رژیم صهیونیستی است زیرا که بندر ایلات علاوه بر اینکه مقر نظارتی رژیم بر سوئز و دومین بندر مهم سرزمین‌های اشغالی است،

نقش تعیین کننده‌ای در عمومی شدن و به دنبال آن، پیوند خوردن اقتصاد رژیم با آل سعود و کشورهای منطقه دارد چون یکی از طرح‌های مهمی که آمریکا و رژیم به دنبال آن هستند، ایجاد یک گذرگاه دریایی جدید به موازات کانال سوئز از شهر ایلات به مدیترانه است.

نتایج بسیار زیادی برای جنگ امکان پذیر است که تفاوت دو سرطیف آن از نابودی کامل غزه تا تجزیه سرزمین‌های اشغالی و حتی نابودی کامل رژیم را شامل می‌شود؛ بخواهیم واقع‌بین باشیم، اساساً با این سرعت تحولات و در برهه فعلی نمی‌توان نتیجه‌ای برای آن پیش‌بینی کرد چون هر لحظه امکان دارد حادثه‌ای رخ دهد که سرنوشت جنگ را کاملاً تغییر دهد. به همین دلیل، امکان پیش‌بینی اینکه جنگ چقدر طول خواهد کشید

اکنون دو سوال مهم مطرح می‌شود: چرا ایران و دیگر اعضای ایالات متحده مقاومت سریع‌تر وارد جنگ نمی‌شوند؟ نتیجه جنگ چه خواهد شد؟

اول از همه، ذکر این نکته ضروری است که این جنگ اصولاً جنگ بین حماس و جهاد اسلامی با رژیم صهیونیستی نیست، این جنگ بین ایالات متحده مقاومت و سنتکام (فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا که مسئولیت غرب آسیا را برعهده دارد)

”

این جنگ در واقع بین حماس و جهاد اسلامی با رژیم صهیونیستی نیست، جنگ بین ایالات متحده مقاومت با سنتکام است

“

است، به این معنی که هر اقدامی باید حساب شده و دقیق باشد در غیر این صورت، منطقه وارد جنگی فراگیر خواهد شد که نقطه پایانی برای آن متصور نخواهد بود. عدم ورود یکباره بزرگان ایالات متحده مقاومت مانند حزب‌الله

به جنگ نیز ناشی از همین است، هر چند که در سیاست‌های جمهوری اسلامی، تمرکز بر اخراج آمریکا از منطقه اولویت دارد و دیگر ورود مستقیم به جنگ با رژیمی رو به زوال و کوچک‌معنایی ندارد وقتی که مردم آزاده جهان به خصوص در کشورهای مسلمان به حدی رسیده‌اند که می‌توانند جدای از هر دولتی، یک تنه این موجودیت نجس را محو کنند؛ البته بخواهیم تصویر بزرگ‌تر را ببینیم، همه الان هم در جنگ هستند، تنها با شدت و بازه جغرافیایی متفاوت تا همزمان با پراکنده نگه داشتن تمرکز رژیم و متحدان او، سطحی از درگیری را حفظ کنند که همزمان با ضعیف کردن آن، منجر به جنگ فراگیر نیز نشود. اگر تغییر خاصی در وضعیت جنگ رخ ندهد، مثل اعلام رسمی جنگ توسط سید مقاومت،

نیز ممکن نیست ولی با خطای نسبتا پائینی می توان گفت که کوتاه نخواهد بود.

نکته پایانی هم خطاب به برادران و خواهران عزیزم در جنبش دانشجویی: نباید احساساتی و غیرعقلانی برخورد کرد و فشاری بر کسانی آورد که در این لحظه، نیازمند حداقل فشار غیرسازنده در داخل هستند؛ به قول شهید عزیز ابومهدی المهندس، باید در چنین شرایطی عقلی سرد با قلبی گرم داشت و هر اتفاقی هم که افتاد، هر چقدر هم تلخ یا شیرین، باید برای آن آمادگی ذهنی داشت. آنطور که آقای عزیزتر از جانمان گفته اند "قضیه فلسطین، کلید رمز آلود گشوده شدن درهای فرج به روی امت اسلام است" و هرچه اتفاق بیافتد، چیزی است که باید اتفاق بیافتد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَكَانَ اللَّهُ رَمَىًٰ وَكَيْبَلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءٌ حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ مَعِ الْعَالَمِينَ

سوره انفال - آیه ۱۷



از کفار عزا تا نوار غزه

بررسی مقایسه تاریخی حمله پیروزمندان طوفان الاقصی

امیرحسین قربانی؛ کارشناسی حسابداری، ورودی ۱۳۹۸



آنچه از روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به بعد اتفاق افتاد و خواهد افتاد مسیری کاملاً متفاوت تر از حوادث عادی و خارج از تصور همگان است. قبل از طلوع خورشید شنبه هفتم اکتبر کمتر کسی باور کامل قلبی داشت که جنبش حماس چنین توانی برای برنامه‌ریزی و اجرای حمله‌ای همه جانبه به اراضی اشغالی داشته باشد اما پس از چندین ساعت پس از گذشتن راکت‌های دست ساز حماس از گنبد زنگ زده‌ی آهنین ساکنین غاصب چشم همه‌ی جهانیان به قلب تپنده نوار کوچک کرانه باختری دوخته شد.

طوفان الاقصی غلیان آن درد و رنجی است که در بیش از هفت دهه در دل کوچک تا بزرگ ساکنان فلسطینی کاشته شده، اما این موفقیت خیره کننده حاصل تلاش فراوان و توسعه چشم‌گیر جبهه مقاومت در سالیان گذشته است.

در جنگ سال ۲۰۰۸ که در از روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ تا ۱۸ ژانویه ۲۰۰۹ صورت گرفت را می توان سرآغازی بر توسعه توان نظامی حماس در جنگ با اسرائیل در نظر گرفت. اسماعیل هنیه معاون ریاست دفتر حماس در مورد این جنگ معتقد است که «جنگ اسرائیل علیه غزه در ماه دسامبر سال ۲۰۰۸ مقاومت را تضعیف نکرد، بلکه برعکس آن را قوی تر کرد.

وجود ادامه حملات محدود و مقطعی اسرائیل به اهداف و اعضای حماس، این گروه به منع راکت پراکنی از غزه به اسرائیل ادامه داد که در چند مورد نیز به بازداشت اعضای گروه‌های کوچک‌تر فلسطینی منجر شد. در این جنگ خم گردان‌های القدس شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی و هم گردان‌های القسام شاخه نظامی جنبش حماس از موشک‌های فجر ۵ برای حمله به شهر تل‌آویو استفاده کردند.

گردان‌های القدس تاکید کردند که هدف از موشک باران تل‌آویو هدف گرفتن نتانیاهو و جنایتکار در حین برگزاری کنفرانس مطبوعاتی‌اش در مقر وزارت جنگ رژیم صهیونیستی بود. در جریان درگیری‌های سال ۲۰۱۴ نیز بیش از ۴۵۰۰ راکت در چند روز از سوی حماس به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک شد.

در سال ۲۰۲۲ رژیم اسرائیل تجاوز خود به غزه را با به شهادت رساندن تیسیر الجعبری فرمانده بخش شمالی گردان‌های قدس، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی، آغاز کرد. جنبش جهاد اسلامی نیز در واکنش به این حملات قریب به هزار راکت به سمت مناطق گوناگون اراضی اشغالی شلیک کرد که خسارات زیادی به ویژه در شهرک‌های اطراف نوار غزه و نیز شهر «عسقلان» به صهیونیست‌ها وارد شد. رسانه‌های اسرائیلی در می ۲۰۱۹ اعلام کردند که حماس از سلاحی جدید استفاده کرده است، به این صورت که پهپادی را مجهز به راکت دارای کلاهک جنگی کرده و این پهپاد قادر است اهداف زرهی مانند تانک و نیز باتری‌های سامانه‌های گنبد آهنین را هدف قرار دهد.

جنگ فرقان پایه و اساس فرهنگ مقاومت را ایجاد کرد. عملیات اسرائیل ناکام ماند و مقاومت نسبت به سال‌های پیش قوی‌تر شده و نیروهای خود را افزایش داده است.» در این جنگ تحولات بنیادینی در تولید موشک‌های مقاومت صورت گرفت. بیشتر مواد اولیه آن طبق تحقیقات کارشناسان به صورت قانونی از سرزمین‌های اشغالی خریداری شود.

پس از آتش بس سال ۲۰۰۹ میان اسرائیل و گروه‌های جهادی فلسطین، اسرائیل با ادعای عدم توقف بمباران علیه خود و نقض آتش بس توسط حماس و جهاد اسلامی، عنوان می‌کرد که در پی پیروزی اخوان المسلمین مصر، حملات راکتی گروه‌های جهادی فلسطینی به اسرائیل افزایش بیشتری یافته و راکت‌های آنان به مناطق عمیق‌تری از اسرائیل نفوذ کرده‌اند. با وجود این، مقامات حماس ضمن تکذیب متجاوز بودن حماس اعلام کردند آنان نمی‌خواهند شاهد افزایش خشونت‌ها باشند. در این جنگ، مقاومت فلسطینی موشک فجر ۵ را برای اولین بار مورد استفاده قرار داد تا اولین موشک مقاومت باشد که تل‌آویو را هدف گرفته است. تبدیل شدن توازن وحشت بین اسرائیل و گروه‌های مقاومت، به توازن بازدارندگی و نمایش توان موشکی مقاومت و هدف قرار گرفتن تل‌آویو و قدس از موضوعاتی بود که در نتیجه تقویت توان راکتی حماس، بازدارندگی اسرائیل را با چالش مواجه کرد.

در سال ۲۰۱۲ در ازای تعهد حماس مبنی بر جلوگیری از پرتاب راکت از غزه، اسرائیل، تقلیل ابعاد و شدت محاصره اقتصادی غزه را به اجرا می‌گذاشت. از آن زمان با

یکی از مهم‌ترین بخش‌های این عملیات مغلوب شدن سامانه گنبد آهنین بود که در جنگ‌های پیشین نظیر آن کمتر دیده شد. در واقع حماس پس از سال‌ها توانست نقطه ضعف این سامانه دفاع هوایی پیشرفته را در قالب شلیک هم‌زمان تعداد زیادی موشک پیدا کند. شلیک هماهنگ تعداد زیادی راکت در یک بازه زمانی کوتاه (بیش از ۵ هزار در ۲۰ دقیقه)، رهگیری همه اهداف را برای گنبد آهنین دشوار کرد. الکسی لئونکوف کارشناس نظامی روس در این باره معتقد است: «حماس به دقت توانمندی‌های پدافند هوایی اسرائیل محاسبه کرده و سامانه‌های موشکی ضد هوایی گنبد آهنین اسرائیل را با تعداد موشک‌های شلیک شده سردرگم کرده است. برای سرکوب پدافند هوایی، وسایل حمله هوایی به گونه‌ای محاسبه می‌شود که تعداد آنها از توانایی‌های پدافند هوایی فراتر رود.

اگر اسرائیل ۲۰۰ موشک رهگیر داشته باشد، باید ۴۰۰ موشک پرتاب شود. در این درگیری می‌توان گفت که حماس کاملاً برای حملات کنونی آماده بود و دقیقاً از توانایی‌های پدافند هوایی اسرائیل آگاهی داشت، تعداد موشک‌های خود را برای فشار بر گنبد آهنین محاسبه کرد.»

طوفان الاقصی دستاور بزرگی است به حدی که اشغالگران قدس از شنبه ۷ اکتبر با نام شنبه سیاه یاد می‌کنند. جدای از همه اتفاقات و حوادث تلخ و شیرین پس از شام شنبه ۷ اکتبر تنها نقش عزم جدی ساکنین مظلوم فلسطین برای فراموشی یوم النکبه و بازپس‌گیری حق خود در خاطر همگان

آلکس فیشرمن کارشناس نظامی روزنامه دیدیوت اظهار داشت که «حماس در سال‌های بعد به ارتقای سلاح ادامه خواهد داد و به ویژه در حال ارتقای سلاح از جمله امکان پرتاب بمب از پهپادهاست اما اقدام جدید (پهپاد مجهز به راکت) نشان‌دهنده پیشرفت این جنبش در توسعه صنعت سلاح است.

این پهپاد مجهز به راکت نسخه‌ای از پهپادهایی است که توسط ارتش‌ها یا «حزب‌الله» لبنان به کار گرفته شده است.»

مقاومت فلسطین و رژیم اسرائیل تا قبل از عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳، چهار جنگ را پشت سر گذاشتند. در هر یک از این جنگ‌ها، حماس و گروه‌های مقاومت به طور پیوسته سعی در به روز رسانی توان نظامی و عملیاتی خود داشته‌اند. در این میان، طوفان الاقصی به عنوان عملیاتی ترکیبی، اوج توان تهاجمی حماس را به نمایش گذاشت. در این عملیات حماس در ابتدا در دور اول حملات خود بیش از ۵ هزار موشک در کمتر از چند ساعت به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک کرد. در ادامه پاراگلایدرهای حماس با عبور از فراز خط مرزی و فرود در شهرک‌های اطراف ضمن انجام غافلگیری، شرایط را برای درگیری نیروهای زمینی فراهم کردند. هم‌زمان پهپادهای حماس نیز توانستند سلاح‌های خودکار موجود در دیوار مرزی را از کار انداخته و در نهایت نیروهای تخریب با ایجاد انفجارهای متعدد در دیوار حائل و استفاده از ماشین آلات سنگین، زمینه نفوذ کماندوهای حماس به شهرک‌های جنوب سرزمین‌های اشغالی را فراهم کردند. با این حال،

مانده است هر چند که در فضای رسانه‌های آن چیزی که عمدتاً امکان نمایش دارد و بازنشر می‌شود نکاتی منفی از قبیل انتشار اکاذیبی چون رفتار غیرانسانی اعضای حماس یا تجاوز خطاب دادن این نیروی حق طلب نه خاک رژیم غاصب و یا عادی جلوه دادن قتل عام کودکان و فرزندان مظلوم فلسطینی توسط رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی است اما آنچه در واقعیت در حال اتفاق است با آنچه در صفحات مستطیل شکل همراه ما نشان داده می‌شود تفاوت زیادی دارد.

به امید برپایی نماز جماعت در قدس شریف



ایمان مستجاب

علامه نوری

امام (ره)، یاران باوفایش و سربازانی که با اشاره اسان جانشان را تقدیم کردند، برای ما الگو هستند؛ باید خودمان این روحیه را داشته باشیم و به نسل بعد نیز منتقل کنیم. باید توکل بر خدا، توسل به اولیای الهی، اطاعت از رهبری و خدمت به مستضعفین، اساس کار باشد؛ اگر چنین روحیه و نیتی داریم، بدانیم که «لینصرن الله من ینصره». اگر رهبری با قاطعیت نظری می دهند و می گویند ۲۵ سال دیگر، اسرائیل وجود نخواهد داشت، به خاطر باور به همین مسئله است؛ وگرنه با چه اعتمادی این سخن را بر زبان می رانند؟ ایشان باور دارند که «لینصرن الله من ینصره».



اسرائیل؛ منفورترین صورت ماتریالیسم

امیرعباس دردانه؛ کارشناسی رادیولوژی، ورودی ۱۳۹۸

امام خمینی، شهید محمد باقر صدر و امام موسی صدر، شخصیت‌های برجسته استکبارستیزی بودند که تحولات خاورمیانه را بسیار تحت تأثیر قرار دادند. حرکت‌های انقلابی، اصلاحات اجتماعی و اسرائیل ستیزی، ویژگی‌های مشترک هر سه شخصیت بود و به همین دلیل آمریکا و اسرائیل بسیار نسبت به این سه بزرگوار حساس شدند. امام موسی صدر و شهید صدر با امام خمینی در ارتباط بودند. حرکت‌های امام خمینی دولت‌های دیکتاتور منطقه را ترسانده بود. می‌بینیم که اسرائیل و دولت قذافی از ترس شدت گرفتن جریان‌های انقلابی در لبنان و فلسطین اقدام به ربودن امام موسی صدر می‌کنند. همچنین پس از تلاش شهید صدر در جهت اصلاحات سیاسی-اجتماعی در عراق، دولت بعث، محمد باقر صدر و خواهر ایشان، بنت الهدی صدر را به شهادت می‌رساند تا عراق انقلابی همچون انقلاب ایران را تجربه نکند.

به نظر بنده حقیق تلاش برای درک مفهوم «اسرائیل» در اندیشه موسی صدر می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد، اما راه‌گشا از چه جهت؟ بگذارید توضیح بدهم. امام موسی صدر درک مهمی از تحولات دوران خویش دارد. ایشان معتقد است که جهان عرب و خاورمیانه در گیر مادی‌گرایی یا همان ماتریالیسم، شده است و این تفکر مادی‌گری دین را از اعماق جان‌ها خواهد برد.

بسته است. امام صدر اسرائیل را فاجعه ای بی سابقه در تاریخ جهان قلمداد می کرد. رفع فاجعه ی بی سابقه به واکنش بی سابقه نیاز دارد، نیاز به جهاد مسلمین دارد. شاید حتی بتوان ادعا کرد که جنایت صهیونیست ها در فلسطین اتمام حجتی بود بر دنیا تا مقدمات ظهور فراهم شود.

پیشنهاد می کنم کتاب «سفر شهادت» اثر موسی صدر را بخوانید. آن کتاب مجموعه سخنرانی های ایشان پیرامون واقعه عاشورا است. امام موسی صدر سعی می کند اسرائیل را تبدیل به یک «مسئله» برای مردم جهان بکند و راه حل آن را نیز اسلام معرفی می کند. ایشان این جنگ را به واقعه کربلا تشبیه می کند و آن را میدان حق و باطل می داند. مبارزه با اسرائیل صرفاً تکلیف فلسطینی ها نیست و اگر آنان با اسرائیل مبارزه نکنند بر ما واجب عینی است که به پا خیزیم و این کار را بکنیم.

امام موسی صدر دین را از انبار تاریخ بیرون می کشد و غبار نشسته بر پیکره دین را می زداید. نتیجه این زنده کردن دوباره دین را در این کلام می یابیم که «همه ابعاد کربلا هم اکنون نیز وجود دارد. نبرد ما با اسرائیل ادامه نبرد امام حسین است. امام حسین (ع) فرمودند: آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل پرهیز نمی شود؟ جا دارد که مؤمن دیدار خدا را آرزو کند. داستان امروز هم همین است. نباید در برابر جنایات اسرائیل سکوت کرد، کسی که در برابر اسرائیل سکوت می کند، شیطانی لال است.»

بنظر می رسد حالا بهتر مفهوم جمله

امام موسی صدر تمدن جدید شکل گرفته را تمدنی می دانست که نیمه انسانی است و نتوانسته است همه زوایای انسان را درک کند. تمدن جدید براساس نادیده گرفتن آفریدگار برپاست و این همان فلسفه قدیم یهود است. موضوع در این جا به اسرائیل مرتبط می شود که ایشان می فرمایند: اسرائیل برجسته ترین مصداق مادی گرایی و منفورترین شکل آن است.

سوال پیش می آید که مادی گرایی چرا بسیار بد است و چرا اسرائیل منفورترین شکل آن است؟

آنان (فلسطینیان) خیلی صبر کردند، خیلی درخواست کمک کردند، خیلی فکر کردند و سال ها گذشت تا این که مطمئن شدند دنیا آنان را فراموش کرده است. دنیا دنیای درندگان است، دنیای گرگ هاست، نه دنیای شرافتمندانی که حق را یاری می کنند و در کنار حق می ایستند. از این جهت بود که آنان مجبور شدند اسلحه بدست بگیرند، تفنگ به دست بگیرند.

خاموش شدن چراغ انسانیت در غرب و گسترش ماتریالیسم در جهان این ها را در پی داشت. دولت های جهان در برابر نژادپرستی، نسل کشی، استفاده از سلاح های شیمیایی و کشتار جمعی سکوت کردند و حتی برخی دولت ها مثل آمریکا به اسرائیل کمک می کنند. سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی اقدام مؤثری علیه اسرائیل انجام نمی دهند و طرفین را به صلح دعوت می کنند. در حالی که صلح در برابر دولت غاصب و نژادپرستی که دست به نسل کشی می زند معنایی ندارد. دنیا چشمان خود را روی این فاجعه انسانی

می‌باشد و نه انقلاب در داخل جهان عرب برای سرنگون کردن حکومت‌ها. این چنین مواضع نشان می‌دهد که چقدر امام صدر عناصر انسانیت، عدالت و آزادی را در تصمیماتش لحاظ می‌کرد.

در پایان نکته‌ای را در رابطه با کشورهای منطقه عرض کنم. در رابطه با حمله هفت مهر حماس به اسرائیل و ادامه آن تا الان، دولت‌های منطقه باید خود را در جبهه حق جای دهند و بدانند هرگونه حمایت لفظی و عملی از اسرائیل در نهایت به ضرر آن کشورها و منطقه تمام خواهد شد. در سال ۱۹۷۷ انورسادات، رئیس جمهور مصر، به اسرائیل سفر کرد. امام موسی صدر پس از آن سفر، موضع گرفت و بیان داشت: «این سفر موجب پدید آمدن شکست‌های تاریخی خواهد بود. مگر آن که سران عرب این خطا را جبران کنند.»

بنظر حقیر الان شرایط همان طور است. دولت‌های منطقه باید یکپارچگی خود را در برابر اسرائیل حفظ کنند و از حمایت از این شر مطلق پرهیز کنند.

«اسرائیل شر مطلق است» را درک می‌کنیم. البته این جمله ادامه هم دارد، امام موسی صدر در ادامه می‌فرمایند «و هرکس در برابر آن بایستد، خیر مطلق است.»

امام موسی صدر راه حل مبارزه با تفکر صهیونیستی - مادی‌گرایی که اسرائیل را به وجود آورد - را در بازگشتن به دین می‌داند، چرا که دین بیش از عوامل دیگر می‌تواند نیروهای جوانان را ذخیره کند و از مصرف شدن آن نیروها در فساد و زیان و لابلای‌گری جلوگیری کند. دین می‌تواند جلوی این طبع انسانی و این هدر رفتن مداوم نیروهای جوان را بگیرد. دین می‌تواند از انسان نیرویی عظیم بسازد که مرگ را به چیزی نمی‌انگارد و زندگی را در مقابل اهدافش که گسترده‌تر از زندگی مادی است، کوچک بشمرد.

این‌ها همه عین کلام امام موسی صدر است.

امام صدر برای دفاع از جنوب لبنان در برابر تجاوزات اسرائیل، دفاع از انقلاب فلسطین و جلوگیری از تجزیه لبنان در صدد تأسیس جنبش امل برآمد. ایشان از طریق جنبش امل اقدام به آموزش نظامی افراد، جهت مقابله با صهیونیست‌ها کرد. جنبش امل متعلق به شیعیان نبود، بلکه جنبشی بود برای همه آحاد مردم فارغ از نژاد، جنسیت و مذهب. این جنبش هیچ‌گاه به‌عنوان یک مؤسسه یا حزب سیاسی فعالیت نکرد و هدف خود را کمک به محرومان اعلام کرد و به همین دلیل بود که در بحبوحه جنگ داخلی لبنان که مسائل فلسطین را تحت تأثیر قرار می‌داد، امام صدر اعلام کرد که هدف آن‌ها تنها آزادی فلسطین

تأسیس رژیم صهیونیستی



در این میان مهمترین آرمان، شهر قدس است

تأسیس رژیم صهیونیستی که از جانب جنبش صهیونیسم از چند قرن قبل طراحی شده بود ظاهراً با هدف ایجاد وطنی مجعول برای یک قوم که ادعا می شود، قوم یهود است صورت گرفت. هر چند نگاه صهیونیست‌ها به قوم یهود، دارای وجوه نژاد پرستانه‌ای است که حتی شامل تمام کسانی که از سال ۱۹۴۸ تا کنون به رژیم صهیونیستی مهاجرت کرده‌اند هم نمی‌شود و به صهیونیست‌های مهاجر اروپایی اطلاق می‌شود، اما ظاهر این طرح را با یک نوع دیدگاه یهودی منحرف پیوند زده‌اند. بر همین اساس با به میان آوردن برخی آرمان‌های یهودی، این آرمان‌ها را با دیدگاه‌های تحریف شده و مجعول صهیونیستی آمیخته‌اند و با همین آرمان‌های جدید اقدامات شان را در فلسطین اشغالی دنبال می‌کنند. در این میان مهمترین آرمان، شهر قدس است.

قدس و مسجد الاقصی

در دنیا قدس تنها شهری است که ۳ دین توحیدی ابراهیمی در آن مکان مقدس دارند اما صهیونیست‌ها در تلاش‌اند تا این شهر را یک شهر یهودی توصیف کنند و به همین لحاظ برای آن برنامه‌های جدی دارند. اقداماتی که رژیم صهیونیستی تا کنون در شهر قدس انجام داده در راستای یهودی کردن و بلعیدن تمام آن است. اما در این میان مهمترین اقدامات علیه مسجد الاقصی صورت می‌گیرد. چرا که این

مسجد با تاریخ و جایگاه عظیمی که دارد نماد تمام نمای یک بنای تاریخی است که می تواند هر نوع تاریخ تحریف شده جعلی را مطرود کند. به همین لحاظ صهیونیست ها در گام نخست اقدام علیه قدس به دنبال تخریب مسجدالاقصی هستند تا این نماد اصیل را از بین ببرند و به جای آن نمادی صهیونیستی به نام «معبد سوم سلیمان» بسازند.

تخریب مسجدالاقصی

صهیونیست ها مدعی هستند مسجدالاقصی بر ویرانه های معبد دوم سلیمان ساخته شده است و با این ادعا به دنبال ساخت معبد سوم سلیمان بر ویرانه های مسجدالاقصی هستند. تاریخ تلاش صهیونیست ها برای تخریب مسجدالاقصی به بیش از دو قرن قبل باز می گردد و تا کنون ادامه یافته است این حفاری ها دو شکل ماهیتاً متفاوت داشته اند.



دوره اول حفاری های باستان شناسی

از سال ۱۸۶۳ تا حوالی سال ۱۹۶۷ قریب ۲۰ حفاری در زیر مسجدالاقصی انجام شد. حفاری های این دوره عمدتاً در قالب تیم های باستان شناسی غربی شکل گرفت. در این حفاری ها تونل هایی نه چندان طولانی به وجود آمد که تقریباً همگی آنها هم اکنون باقی هستند و بیشتر تلاش می شد در زیر مسجدالاقصی آثاری به دست آورند که حضور یهودیان را در این مکان به اثبات رساند. خواسته ای که هیچ گاه هیچ اثری پیدا نشد که آن را تأیید کند. عمده آنچه از این حفاری ها به دست آمد آثار مربوط به دوره های حکومت های اسلامی و کانال هایی بود که در قدیم مسیر آبرسانی مسجدالاقصی را تشکیل می داده اند. برخی از حفاری ها در ادامه کانال های آبرسانی انجام شدند.

دوره دوم حفاری

از سال ۱۹۶۷ پس از جنگ ۶ روزه، رژیم صهیونیستی با اشغال شهر قدس عملاً بر مسجدالاقصی تسلط پیدا کرد لذا تلاش‌ها برای تخریب مسجد جدی تر دنبال شد. دوره دوم حفاری‌ها ماهیت متفاوتی از حفاری‌های اولیه پیدا کردند این حفاری‌ها که عمدتاً در عمق بسیار زیاد انجام شدند علاوه بر اینکه به دنبال به دست آوردن آثاری در تأیید حضور اقوام یهودی صورت گرفت، هدف فروپاشی مسجدالاقصی در اثر سست شدن پایه‌هایش را نیز دنبال می‌کرد. تونل‌های حفر شده در این حفاری‌ها بعضاً آنقدر بزرگ هستند که کامیون‌های حمل خاک برای خارج کردن خاک حفاری، وارد آنها می‌شوند.

نکته دیگر در این حفاری‌ها، به کارگیری ماشین آلات سنگین حفاری و استفاده از مواد شیمیایی و اسیدهای گوناگون است. مدیران این حفاری‌ها مقامات نظامی اند که تخصصی در باستان‌شناسی و حفاری ندارند و به دنبال اجرای پروژه‌های طراحی شده از سوی محافل مخفی صهیونیستی‌اند.

ایجاد ساختارهای جدید ذیل مسجدالاقصی

با حفاری‌هایی که طی این دوره صهیونیست‌ها انجام داده‌اند مجموعه‌هایی مذهبی و توریستی زیر مسجدالاقصی ایجاد کرده‌اند. ساختارهای ایجاد شده زیر مسجدالاقصی بسیار بزرگ و وسیع و بعضاً دارای سقف‌های بلند است. صهیونیست‌ها با تکثیر این ساختارها در تلاش‌اند علاوه بر جذب توریست مذهبی پایه‌های مسجد را سست کنند.

محل حفاری‌ها

بیشترین حفاری‌های ایجاد شده ذیل مسجدالاقصی نزدیک دیوار ضلع جنوب غربی مسجد ایجاد شده است. این بخش را صهیونیست‌ها دیوار ندبه نامگذاری کرده‌اند و مدعی‌اند این بخش از دیوار غربی، تنها باقی مانده از معبد دوم سلیمان است. دومین بخشی که حفاری‌های قابل توجهی در آن ایجاد شده در دیوار جنوبی است. صهیونیست‌ها مدعی‌اند در این منطقه یک شهر یهودی وجود داشته است. در این بخش آنها بسیاری از آثار باقی مانده از کاخ‌های دوره اموی را از بین برده‌اند. بخش سوم حفاری‌ها به دیوار شرقی مربوط می‌شود جایی که صهیونیست‌ها هنوز حفاری‌های وسیعی را آغاز نکرده‌اند اما در تلاش هستند تا با ایجاد مجموعه تحت عنوان «باغ‌های یهودی» قبرستان‌های اسلامی موجود در این منطقه را از بین ببرند. بخش دیوار شمالی از نظر آن‌ها دور نمانده اما هنوز حفاری‌های جدی در آنجا آغاز نشده و تنها به بستن بخش‌های قابل توجهی از آن اکتفا کرده‌اند.

مترو زیر مسجدالاقصی

آخرین اقدامی که صهیونیست‌ها هنوز آن را نهایی و کامل نکرده‌اند ایجاد یک خط مترو زیر مسجدالاقصی است. در حال حاضر آنها در حال احداث یک مترو از داخل

فلسطین اشغالی به قدس هستند اما براساس طرحی که دولت رژیم صهیونیستی سال ۲۰۱۵ تصویب کرد آنها قصد دارند این مترو را در ادامه از زیر مسجد الاقصی عبور دهند.

شکستن دیوار صوتی در قدس

نیت پلید صهیونیست‌ها زمانی کاملاً برای همگان روشن می‌شود که بدانیم صهیونیست‌ها هر از چندگاهی اقدام به شکست دیوار صوتی بر فراز آسمان قدس می‌کنند. این اقدام در راستای تکمیل فرآیند حفاری زیر مسجد الاقصی است. آنها می‌خواهند با ایجاد حفاری‌ها و شکستن دیوار صوتی موجبات فروریختن خودبه‌خود مسجد الاقصی را به وجود آورند تا متهم اول این پرونده نباشند.

کارت هویت فلسطینیان و سناریوهای لغو آن

با اشغال شهر قدس در سال ۱۹۶۷، اردن به عنوان متولی ساکنان فلسطینی این شهر معرفی شد لذا به شهروندان فلسطینی شهر قدس گذرنامه اردنی داده شد. این گام نخست صهیونیست‌ها بود برای آنکه بگویند در قدس هیچ فلسطینی حضور ندارد. پس از آن، رژیم صهیونیستی نیز برای فلسطینیان ساکن قدس، مجوزی برای ادامه حضور در قدس صادر کرد و آن را «کارت هویت» نامگذاری کرده است. این کارت هویت تنها یک مجوز برای حضور و رفت و آمد فلسطینیان ساکن قدس در این شهر است و برای فلسطینیانی صادر شده است که در آن سال ساکن قدس بوده‌اند.

این کارت تابع قوانینی است که توسط دادگاه عالی قضایی رژیم صهیونیستی وضع شده است. براساس این قوانین دادگاه عالی رژیم صهیونیستی اعلام کرده است که «ولادت» در قدس لزوماً به شهروندان فلسطینی اجازه اقامت در قدس را نمی‌دهد و دوری از شهر قدس هم لزوماً موجب لغو مجوز یا «کارت هویت» شهروندان فلسطینی قدس نمی‌شود.

براساس قانون ورود به زمین‌های تحت سیطره رژیم صهیونیستی اگر کسی وارد سرزمین‌های اشغالی، شود می‌تواند به او اجازه اقامت داده شود اما اگر یک فلسطینی که این مجوز را کسب کرده، کارت اقامت یا گذرنامه کشور دیگری را به دست آورد، یا مدت ۷ سال در یک کشور دیگر مقیم شود این کارت هویت و به تبع آن اجازه اقامت در فلسطین و شهر قدس را از دست می‌دهد. اینها روش‌هایی است که صهیونیست‌ها شهروندی فلسطینیان قدس را از آنها سلب کرده، مانع حضور دائم آنها در قدس شوند. سال ۲۰۱۳ رژیم صهیونیستی این کارت‌ها را تغییر داد و بر روی آنها جمله «اقامت برای ۱۰ سال» را حک کرد. معنای آن این است که صهیونیست‌ها تا سال ۲۰۲۳ قصد دارند تمام این کارت‌ها را که بین فلسطینیان به کارت آبی معروف‌اند باطل کرده، اجازه حضور هیچ فلسطینی را در قدس ندهند.

علاوه بر این اگر فلسطینیان شهر قدس با فلسطینیانی که در کرانه باختری یا نوار غزه زندگی می‌کنند ازدواج کنند به همسران آنها در کرانه باختری و نوار غزه «کارت هویت» قدس داده نمی‌شود.

با بهانه تراشی‌های فوق صهیونیست‌ها بین سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۱۰ حدود ۱۴ هزار «کارت هویت» آبی را باطل کرده و صاحبان آنها را از زندگی در قدس منع کرده‌اند.

عدم صدور مجوز ساخت و ساز یا تعمیر بنا

یکی از اقدامات صهیونیست علیه فلسطینیان شهر قدس، ممانعت از ساخت و ساز ساختمان‌ها و مستغلات مربوط به فلسطینی‌ها است. برای فلسطینی‌ها مجوزی صادر نمی‌شود تا بتوانند خانه‌های خود را از نو بسازند یا حتی اقدام به تعمیر املاک و مستغلات خود کنند. براساس گزارشی که یک سازمان غیر دولتی رژیم صهیونیستی ارائه کرده است طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ تعداد مجوزهایی که برای ساخت و ساز به صهیونیست‌ها داده شده قریب ۱۹ هزار مجوز است اما در همین دوره تعداد مجوزهایی که به فلسطینیان داده شده ۹۱ مجوز است که همگی مربوط به قدس هم نیستند. در این شرایط اگر فلسطینیان اقدام به بازسازی یا تعمیر املاک و مستغلات خود بدون مجوز کنند صهیونیست‌ها با حضور ارتش فرد مذکور را مجبور می‌کنند بنای بدون مجوز تعمیر شده را تخریب کند و اگر این کار را انجام ندهد ضمن تخریب آن توسط ارتش رژیم صهیونیستی هزینه تخریب را به اضافه جریمه بازسازی بدون مجوز از وی اخذ می‌کنند.

مصادره خانه‌های فلسطینیان قدس

یکی از اقدامات رایج صهیونیست‌ها در فلسطین این است که اگر یک فرد صهیونیست مدعی مالکیت خانه یکی از فلسطینیان در دادگاه شود و علیه فرد فلسطینی اقامه دعوا کند دادگاه پس از رسیدگی برای آن ملک حکم مالکیت جدید صادر می‌کند. این احکام معمولاً براساس دلایل واهی و بدون سند صادر می‌شوند مثلاً در برخی موارد حکم بر اساس این استدلال صهیونیست مدعی صادر شده که اجداد وی چند هزار سال قبل در این شهر بوده‌اند و حالا دیگر حضور ندارند و املاک آن‌ها در آن زمان گم شده است. در مواردی از این دست دادگاه حکم را به نفع فرد صهیونیست صادر کرده، بدون آنکه به فرد فلسطینی در خصوص ادعای روی ملک او خبر داده شود و به او اجازه دفاع از خود در دادگاه را بدهند، دادگاه فرد فلسطینی را مجبور می‌کند خانه اش را تخلیه کرده و به فرد صهیونیست تحویل دهد.

تغییر تقسیم بندی استانی قدس

براساس آخرین آمار موجود تا سال ۲۰۱۸ بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار فلسطینی در قدس حضور داشته‌اند. حدود یک سوم این جمعیت در دو منطقه شعفاط و کفر قدوم زندگی می‌کنند. سال ۲۰۱۸ با طرحی که نیر برکات شهردار رژیم صهیونیستی در قدس ارائه کرد این دو منطقه را از تقسیم بندی شهر قدس خارج کردند. با این اقدام جمعیت فلسطینی‌ها در شهر قدس کمتر از صهیونیست‌ها خواهد شد. با این اقدام صهیونیست‌ها، فلسطینی‌های این دو منطقه برای رفت و آمد به شهر قدس با مشکلات جدید مواجه خواهند شد. کارت‌های هویت آنها به عنوان شهروند قدس باطل می‌شود و آن‌ها باید برای ورود به شهر قدس از کارت موقت رفت و آمد که با عنوان کارت‌های آبی شناخته می‌شوند استفاده کنند. این کارت‌ها در ایام حساس فقط برای زنان و مردان بالای ۴۵ سال صادر می‌شود.

رژیم صهیونیستی با گذشت زمان جسارت بیشتری در اقداماتش علیه قدس پیدا کرد و تلاش کرد قدس را در ظاهر نیز به یک شهر یهودی تبدیل کند، آنچه تحت عنوان یهودی سازی قدس از آن نام برده شده است شامل مجموعه اقداماتی است که تاکنون به آنها اشاره کرده ایم اما میدانی ترین نمود آن را می توان در تغییر ظاهر شهر قدس و تلاش برای تغییر فرهنگ فلسطینی هادید.

ساخت مکان هایی با هویت و معماری یهودی

یکی از مهمترین اقداماتی که صهیونیست ها با ورود به قرن ۲۱ به انجام آن جرأت پیدا کردند ایجاد بناهایی است که هویت یهودی دارند این بناها از کنیسه گرفته تا موزه و تندیس های یابود را شامل می شود. مشهورترین نماد در این زمینه، دیوار براق است که در مقابل آن محله ای مسلمان نشین به نام «حی المغاربه» را تخریب کردند تا فضای باز کنونی دیوار براق را ایجاد کنند.

بخش قابل توجهی از این فضاهای با هویت و معماری یهودی نزدیک حرم مقدس و زیر مسجد الاقصی به وجود آمده است. آنها زیر مسجد الاقصی کنیسه هایی با سقف های بلند ایجاد کرده اند، علاوه بر این کنیسه ها سالن هایی در زیر مسجد ایجاد کرده اند که این سالن ها نیز با سقف های بلند محل برگزاری جشن های یهودی است علاوه بر اینکه همواره گردشگرانی را که به فلسطین اشغالی می آیند به این سالن ها می آورند و تاریخ جعلی بر ساخته ذهن صهیونیست ها را برای آنها روایت می کنند.

برخی موزه ها و مکان هایی که در آنها تاریخ جعلی صهیونیست ها روایت می شود نیز به وجود آمده اند مثل موزه دیویدسون در نزدیکی مسجد الاقصی که با مسجد فاصله ای چندصدمتری دارد و یا موزه ای با نام قافله نسل ها که در آن با ایجاد ۷ اتاق مجزا تاریخی جعلی از صهیونیسم را به صورت تصویری به نمایش گذاشته اند.

تغییر نام خیابان ها و کوچه ها

یکی از مهمترین اقداماتی که صهیونیست ها طی یک دهه اخیر آن را به طور جدی دنبال می کنند تغییر نام محله ها، شهرک ها، خیابان ها و حتی کوچه های شهر قدس است. این اقدام هرچند با واکنش شدید یونسکو و فلسطینیان مواجه شده است اما از سوی صهیونیست ها در حال پی گیری و اجرا است.

تعطیلی مؤسسات فلسطینی

صهیونیست ها در راستای خالی کردن فلسطین از مسلمانان اقدام به تعطیلی مؤسسات فلسطینی کرده اند، در این راستا مهمترین اقدامی که آنها صورت داده اند علاوه بر تعطیلی دفاتر مربوط به ساف و وزارتخانه های فلسطینی تعطیلی دفاتر آژانس بین المللی رسیدگی به امور آوارگان فلسطین موسوم به «انروا» در سال ۲۰۱۹ بود. این اقدام در این راستا صورت می گیرد تا هیچ نهاد فلسطینی در قدس باقی نماند. یکی از تبعات این اقدام این است که از این به بعد فلسطینی های شهر قدس برای انجام امور اداری و مذهبی باید به سراغ مؤسسات صهیونیستی بروند و در آنجا امور جاری خود را پی گیری کنند.

آموزش و پرورش یهودی برای کودکان فلسطینی

از سال ۲۰۱۸ صهیونیست‌ها اقدامی زیرساختی را برای یهودی‌سازی قدس آغاز کردند. آنها تمام مدارس فلسطینی‌های قدس را که پیش از این زیر نظر وزارت آموزش و پرورش حکومت خودگردان اداره می‌شد تحت نظارت آموزش و پرورش رژیم صهیونیستی قرار دادند، با این اقدام اولاً هیچ مدرسه‌ای دیگر در قدس نمی‌تواند آموزش‌های اسلامی و فلسطینی به کودکان فلسطینی بدهد و ثانیاً، با این اقدام از این پس کودکان فلسطینی شهر قدس باید با کتاب‌های درسی صهیونیست‌ها آموزش ببینند، کتاب‌هایی که در آن‌ها نامی از فلسطین وجود ندارد، مقاومت امری تروریستی توصیف شده است و فلسطینی‌ها تروریست‌های خشونت‌طلب هستند.

به‌طور کلی صهیونیست‌ها طی قرن ۲۱ جسارت بیشتری در هتاکی علیه قدس پیدا کرده‌اند. آنها که جرأت ورود به مسجدالاقصی را نداشتند به این حرم مقدس هر روز هتاکی می‌کنند و در تمام قدس تلاش دارند با ایجاد نمادهای یهودی و تغییر نام خیابان‌ها و کوچه‌های آن از اسامی اسلامی به اسامی یهودی و صهیونیستی که بیشتر جعلی هستند شهر را کاملاً یهودی کنند، ضمن آنکه با از بین بردن نهادها و مؤسسات فلسطینی و قرار دادن آموزش کودکان فلسطینی در مدارس صهیونیستی می‌خواهند حتی اثری معمولی از فلسطین و آثار اسلامی آن باقی نماند.



در میان پروژه صهیونیسم برای منطقه غرب آسیا، تسخیر قدس در نقطه مرکزی قرار دارد. این یک مدعای صرف نیست و جملات آلن بی، نخستین فرمانده نظامی یهودی انگلستان که اواخر جنگ جهانی اول وارد قدس شد این مسئله را ثابت می‌کند. او در سخنان خود گفته بود «امروز جنگ‌های صلیبی به پایان رسید.» صهیونیست‌ها از زمانی که برای فلسطین طراحی کردند قدس در اولویت‌های طرح‌های اشغالی آنها قرار داشته است. اما در میان تمامی طرح‌هایی که برای بلعیدن قدس طراحی و اجرا کرده‌اند مهمترین آنها پروژه‌های موسوم به قدس بزرگ است. براساس این طرح، شهر قدس ابتدا به طور کامل از غیر صهیونیست‌ها خالی می‌شود و پس از آن با توسعه آن به دهها کیلومتر آن طرف‌تر نمادهای یهودی - صهیونیستی تمام آن را فرا خواهند گرفت.

تاریخ پروژه قدس بزرگ و گام نخست

تاریخ این پروژه که مجموعه‌ای از تمهیدات صهیونیست‌ها برای یهودی‌سازی قدس است به اولین روز اشغال شهر قدس در سال ۱۹۶۷ باز می‌گردد. پس از اشغال قدس در آن سال، کنست رژیم صهیونیستی در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۶۷، سه قانون در مورد قدس تصویب کرد که این قوانین مبنای پروژه قدس بزرگ شدند:

- قوانین سرزمینهای ۱۹۴۸ در قدس اجرا خواهند شد.
- مرزهای شهرداری قدس توسعه یافته، از شمال قلندیا تا صور باهر در جنوب قدس مرزهای قدس هستند و شورای عربی شهر نیز منحل می‌شود.
- صدور قانون حمایت از مکان‌های مقدس مبنی بر اینکه همه ادیان آزادند به این مکان‌های مقدس دسترسی داشته باشند. این قانون اجرایی نمی‌شود.

همانگونه که می‌بینید مقدمات طرح برای اینکه قدس بزرگی به وجود آید که فقط در اختیار صهیونیست‌ها باشد را این قوانین فراهم کرد.

گام دوم، ایجاد حلقه اول کمربند های شهرکی

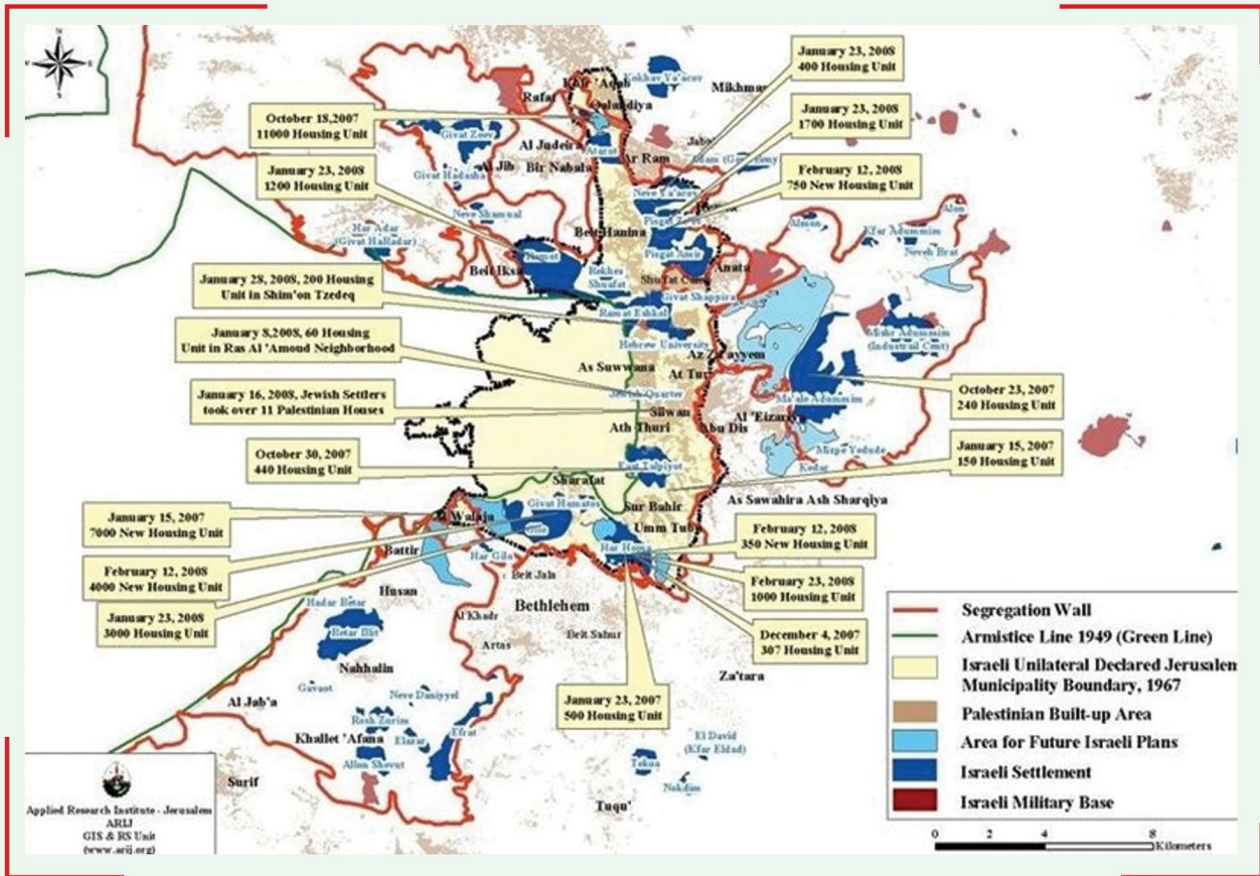
دومین مرحله از اقدام برای ایجاد پروژه قدس بزرگ ایجاد کمربندی از شهرک‌های صهیونیستی پیرامون قدس برای جدا کردن «قدس بزرگ» از دیگر مناطق فلسطینی بود. در این مرحله شهرک‌هایی خارج شهر قدس در سال ۱۹۶۸، در زمین‌های غصب شده فلسطینیان به وجود آمد در این مرحله فقط شهرک ایجاد نشد بلکه پروژه‌های شهرکی بزرگی در اطراف قدس ایجاد شد. پروژه‌های شهرکی موسوم به E که شامل پروژه‌های E1، E2 و E3 به وجود آمدند. هر یک از این شهرک‌ها شامل ده‌ها هزار واحد مسکونی‌اند که صدها هزار صهیونیست‌ها را در خود جای می‌دهند.

ایجاد حلقه دوم کمربند های شهرکی

در سال ۱۹۶۹ حلقه دوم کمربند های شهرکی در اطراف قدس ایجاد شد. این بار مجموعه‌ای از ۱۸ مجموعه شهرکی در اطراف قدس ایجاد شد. غوش عتصیون یکی از معروف‌ترین این شهرک‌ها است. این مجموعه نیز یک حلقه دیگر فلسطینیان را از قدس دور می‌کردند و مانع دسترسی آنها می‌شدند.

گام سوم، مجموعه های شهرکی در دره اردن

گام سوم صهیونیست‌ها ایجاد مجموعه‌های شهرکی در دره اردن بود. با این پروژه که تحت عنوان طرح «ایگال آلون» اجرایی شد، شهرک‌هایی در دره اردن ایجاد می‌شد تا هرگونه امکان دستیابی و نفوذ فلسطینی‌ها به قدس منتفی شود. سال ۱۹۷۴ کنست رژیم صهیونیستی طی قانون قدس غربی و شرقی را یکی اعلام کرد و تمام آن را تحت حاکمیت رژیم صهیونیستی معرفی کرد. در این قانون قدس به ۸ محله تقسیم شد.



طرح موسوم به «انتشار»

سال ۱۹۷۶ مجموعه شهرکی معالیه آدومیم در نزدیکی قدس شرقی به وجود آمد و شهرک‌های کوچکی نیز از دره اردن تا قدس ایجاد شدند که مکان‌های خالی بین شهرک‌های قدیمی را پر می‌کردند. اما سال ۱۹۸۰ رژیم صهیونیستی پایتخت ابدی خود اعلام کرد. در همین سال، «شارون» طرحی را تحت عنوان طرح «انتشار» اجرا کرد براساس این طرح مرزهای قدس تا بیرون کوه‌های اطراف قدس توسعه می‌یافت. این طرح موجب غصب ۲۰ کیلومتر مربع از زمین‌های فلسطینیان شد و در آن ۳ کمربند امنیتی برای قدس ایجاد می‌شد:

اول، کمربند قلندیا در شمال که شامل شهرک‌های کوخاف یعقوب، بسگوت و کیفات زعیف می‌شد.

دوم، کمربند شرقی و غربی که شامل شهرک «معالیه عادومیم» در شرق و «معالیه هعشمیا» در غرب به اضافه شهرک‌های دیگری چون «کعادم» و «علمون» می‌شد.

سوم، کمربند بیت لحم در جنوب که شامل دو شهرک «جبل ابوغنیم» و «جیلو» می‌شد.

با این طرح‌ها در حال حاضر بیش از ۸۴ مجموعه شهرکی در قدس به وجود آمده که تقریباً قدس را همچون یک حلقه در بر گرفته، از دسترس فلسطینی‌ها خارج کرده است.

پروژه قدس بزرگ دو نتیجه بسیار وخیم برای فلسطینی‌ها داشته است. اول اینکه آنها را از دسترسی به قدس دور کرده است. با کمربندهای شهرکی ایجاد شده فلسطینیان امکان دستیابی به قدس را تقریباً از دست می‌دهند.

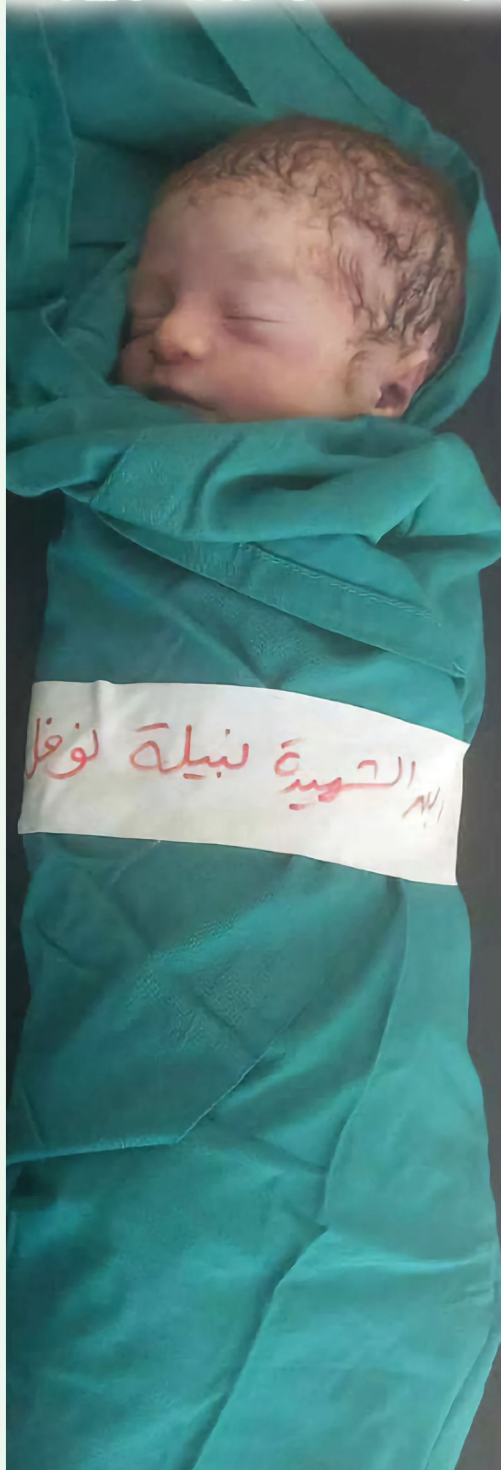


دوم آنکه، به بهانه اجرایی کردن این پروژه زمین‌های وسیعی از استان‌های الخلیل، بیت‌لحم و رام‌الله را شامل شده است. صهیونیست‌ها به این بهانه هم بخش‌های وسیعی از استان‌های کرانه باختری و هم بخش‌های قابل توجهی از دره رود اردن را اشغال کرده و به ایجاد مجموعه‌های شهرکی بزرگ اختصاص داده‌اند.

تمام آنچه در خصوص بلعیدن قدس به آن در چند شماره گذشته اشاره شد در قالب پروژه «قدس بزرگ» صهیونیست‌ها قابل توجیه است. با این نگاه باید گفت آنها تحت عنوان پروژه‌ای به نام «قدس بزرگ» در تلاش هستند قدس را به طور کامل از دست فلسطینیان و مسلمان و حتی مسیحیان خارج کرده، مجموعه‌ای وسیع را که شامل چند استان می‌شود تحت عنوان «قدس بزرگ» به وجود آورند و آن را در طرح‌های آینده خود به عنوان پایتخت رژیم مجعول خود معرفی کنند.

شهادت مبارک عزیز دل من

ساجده صداقت؛ کارشناسی زمین شناسی، ورودی ۱۳۹۹



این دختر بچه را می بینید؟ او یک دختر هفت روزه است که اکنون زیر خرواری از خاک‌های سرزمین فلسطین آرام خوابیده.

او نبیله نوفل است یکی از نوزادانی که طی بمباران اخیر نظام غاصب و اشغالگر اسرائیل به دست صهیونها به شهادت رسیده است. حتما مادرش وقتی اولین بار او را در آغوش کشید، در دل برایش از عمق جان دعا کرد برایش روزهای شیرینی را خواست که در عین امنیت میان درختان زیتون و جویبارها بازی کند. راستی چند هزار بار قرار است که مادرش این عکس را تماشا کند؟ چقدر قرار است برای بغل کردن کودک شیر خواره‌اش در خودش پژمرده شود؟ چقدر دلش برای بوی بهشتی نوزادش از غصه آب شود؟

چقدر با خودش بگوید "بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ" و آنقدر گریه کند که شوری اشک گونه‌هایش را بسوزاند؟

آیا این اشک‌ها کودکش را به او بازمی‌گردانند؟

من یک قلب مشترک دارم با تمام مادران جهان.

هر بار که کودکی در فلسطین شهید می‌شود تمام لحظات زندگی‌اش را تصور می‌کنم! اولین نگاه پاکش را، شیر خوردنش را، اولین قدمش، اولین کلماتش را.

سینه‌هایمان با هر بار دیدن این شهدا شعله‌ور می‌شود، گرمی‌گیری و می‌سوزد. سال‌هاست که با هر عکس تازه‌ای که از شهدای سرزمین زیتون به دستمان می‌رسد دوباره آتش می‌گیرم.

عکس‌ها، نام‌ها، داغ‌ها، نمی‌گذارد که زخم‌های کهنه‌یمان دلمه‌ببندد.

مشیت پرودگار جهانیان فعلا چنین است که کلمات، اشک‌ها و فریاد‌هایمان غبار غفلت را از دل‌هایمان بزدايد.

غبار بی‌تفاوتی و بی‌دردی و بی‌درکی را!

نبیله جانم شاید در دنیای امروز معیار حق و باطل همین جسد بی‌جان تو باشد برای دل‌های زنده‌ای که غفلت قفلشان نکرده. راستی دلتان لرزید؟

چقدر ترسناک می‌شد اگر دلم برایت نمی‌لرزید، اگر جای ظالم و مظلوم را در نگاهم وارونه جلوه می‌دادند. چقدر دنیایی که مادرت در گوشه‌ای اشک بریزد و من بی‌تفاوت باشم ترسناک است.

یرحاً

فاطمه جوانمردی؛ کارشناسی فقه و حقوق، ورودی ۱۴۰۰



تو روزها را طبق معمول میگذرانی؛ از تخت بیرون می آیی و برای خودت جای کهنه میریزی. از بین رگال‌ها یک لباس انتخاب می کنی و همان طور که داری دکمه‌های پیراهنت را می بندی، با دوستت که صدایش را روی اسپیکر گذاشته‌ای صحبت میکنی، شاید حتی گاهی بلند بخندی....

من اما، هرروز صبح با صدای انفجار بیدار می شدم و هر بار که در حال حفظ کردن شعرهای مقاومت بودم، پوتین‌های سربازان اسرائیلی به در خانه‌مان کوبیده می شد، نمیدانم این چندمین بار است که شاهد روی زمین کشیده شدن پدرم به دست حرام‌لقمه‌های صهیون هستم، اما اینبار فرق می کند؛ دامنم را از سنگ پر میکنم و شروع میکنم به پرتاب کردن. نمیدانم چند تا از آن‌ها به هدف می خورد؛ ولی صدای تیرها، گرمی خونم و سردی زمین را بعد از افتادنم حس میکنم...

بعد از من سنگ در دستان مادر بزرگم برنده تر از همیشه است، به برندگی عشق به فلسطین و اعتقاد به مقاومت. نمی دانم مادر بزرگ بعد از من چندبار جسد کودکان را در روستا دیده!

حالا او سنگ‌ها را نزدیک پرچم مخفی شده از تفتیش ماهانه صهیون‌ها می گذارد تا یادش باشد چرامی جنگد؟ عاشق چیست؟ و چرا از صهیون متنفر است؟! و آن پرچم خاک خورده زیر آجرهای لق دیوار، بهترین یادآور است. یادآور شرافت قدس، قداست مبارزه و چنگال بیرحمی که وطنت را از دستانت ربوده.

کنار هزاران شهید مقدس ایستاده در آستانه مقصد، دقیقاً روبه روی قدس شریف، صدای مادر بزرگم را میشنوم که میگوید: "یرحاً" تو به فلسطین، به قدس، به مقاومت، جان تازه دادی و خونی تازه در رگ‌های مقاومت دمیدی.

دیدگاه

«محتوای این بخش لزوماً مورد تأیید یا رد نشریه ملل نیست و صرفاً برای بررسی دیدگاه‌های مختلف در نشریه آمده است»



نقدی بر سخنان سید مقاومت

سید نیما موسوی؛ یادگست رادیو مفسر



لبنان وارد جنگ تمام عیار با اسرائیل نمی شود و تنها از جهت دور کردن جنگ از خاک لبنان تلاش خواهد کرد. البته نصرالله همچنان با پاسخ ابهام آمیز از عبارت همه گزینه‌ها روی میز است در قبال اسرائیل سخن گفت.

برخلاف بسیاری از دوستان که ورود حزب الله به جنگ تمام عیار با اسرائیل را مطرح می‌کردند معتقدم حزب الله ابتدا به ساکن خود را یک نیروی لبنانی تعریف می‌کند. فضای مدنی لبنان را نمیتوان با فضای عشیره‌ای عراق و یمن مقایسه کرد؛ در نتیجه رفتار حزب الله به نسبت انصارالله و حشد الشعبی ملی تر می‌باشد. در چنین شرایطی راهبرد حزب الله جنگ کم شدت و «ضربات کنترل شده» به سبک ورزش کاراته خواهد بود و تصعید درگیری‌ها فراتر از مزارع شبعا و صفحه شمالی

پس از سه هفته سیدحسن نصرالله پشت تریبون رفت و سخنرانی مهمی را ارائه داد. برخی از تحلیلگران به ویژه ناظرین غربی این سخنرانی را به منزله افزایش و تصعید تعارضات در سرزمین‌های شمالی اشغالی تحلیل می‌کردند. آنچه نصرالله در این سخنرانی یادآور شد ابتدا تجلیلی از شهدای غزه و نیز ورود مجاهدین یمنی و عراقی بود و در ابتدای سخنرانی عملیات ۷ اکتبر را یک عملیات صد درصد فلسطینی خواند که بدون هماهنگی با بیروت و تهران رخ داده است. در بخش دوم وی به مسئولیت جبهه مقاومت و کشورهای منطقه نسبت به مقاومت غزه سخن گفت و یادآور شد که مقاومت لبنان از همان ۸ اکتبر عملیات خود را برای مشغول نگه داشتن جبهه شمالی آغاز کرده است. البته در ادامه نیز یادآور شد که مقاومت

پادکست «رادیو مفسر»

اسرائیل نخواهد رفت. در نهایت ابهام امنیتی حزب الله در قبال اسراییل نیز زمانی کارایی داشت که هنوز حمله زمینی و یا نسل‌کشی انجام نشده بود. پیام ابهام آمیز و گفتن اینکه «همه گزینه‌ها روی میز است» زمانیکه اسراییل مبادرت به نسل‌کشی کرده و حتی با عملیات زمینی شمال و جنوب غزه را از هم جدا کرده است، چندان محلی از اعراب ندارد.

دنیا کوردن

Damir Marusic
@dmarusic



Deterrence worked. Must be huge sighs of relief in the Biden Administration listening to Nasrallah's speech. Looks like Iran is sacrificing Hamas.

ترجمه پست

آخرین ویرایش ۰۳:۱۷:۵۵ ۲۳ نوامبر

سخنرانی سیدحسن نصرالله را یک سخنرانی ضعیف می‌دانم و آنچه که طرف‌های غربی از آن فهمیدند یک پیام ضعف بود تا جایی که برخی از روزنامه‌نگاران غربی سخنرانی نصرالله را به معنی رها کردن حماس به وسیله ایران تحلیل کردند؛ بطور مثل «دامیر ماروشیچ» خبرنگار واشنگتن پست که در توییت بالا از رها شدن حماس به وسیله ایران سخن گفت. نخستین پیامد سخنان سیدحسن نصرالله کاهش چند دلاری قیمت نفت بود. حمله به بیمارستان الشفا در شمال غزه نیز درست دقایقی پس از سخنرانی نصرالله رخ داد. به علاوه، امارات که پیشتر سعی داشت همراهی خود با اسراییل در جنگ غزه را پنهان کند، ساعاتی پس از سخنرانی با ارسال هشت هواپیمای نظامی به فرودگاه نقب در جهت کمک‌رسانی به اسراییل برآمد و علناً کنار اسراییل قرار گرفت. در فردای سخنرانی نصرالله، شیخ نعیم قاسم، قائم مقام حزب الله، سعی کرد تا موضع سخنرانی وی را حداکثری تر کند و یادآور شد که تا پایان آزادسازی غزه همراه حماس خواهیم بود.

اما راهبرد پلکانی که نصرالله در سخنرانی مطرح کرد هوشمندانه بود، ولی در غیر زمان خود استفاده شد. راهبرد پلکانی و تهدیدات مبهم اگرچه تلفات دشمن را عادی‌سازی می‌کند و مانع از ائتلاف آمریکا و اسرائیل می‌شود، ولی اگر این سخنرانی در سه روز اول انجام می‌شد توان بازدارندگی مقاومت را افزایش می‌داد ولی زمانی که ده هزار کشته در بیست روز ثبت شده و حتی مراکز بیمارستانی مورد حمله قرار گرفته است و حمله زمینی انجام شده است، تقابل پلکانی کاربردی ندارد. اسرائیل عملاً سطح نزاع برانوار غزه را تا بالاترین سطح افزایش داده است و عملاً از همه پلکان بالا رفته است. حتی اگر این سخنرانی پس از حمله به بیمارستان باپتیسست (المعمدانی) که فشار افکار عمومی به سود حزب‌الله بود انجام می‌شد، قطعاً بازدارندگی بیشتری پیدا می‌کرد ولی در حال حاضر حتی در داخل لبنان نیز این سخنرانی مورد انتقاد فضای سیاسی لبنان واقع شد تا جایی که «سمیر جعجع» از حزب‌الله خواست تا جنوب لبنان را به ارتش تحویل دهد. در حالی که اگر این سخنرانی پس از حمله به بیمارستان باپتیسست و تظاهرات بی‌سابقه لبنانی‌ها انجام می‌شد، همسویی بیشتری حتی در داخل جامعه لبنان ایجاد می‌کرد و در طرف اسرائیلی نیز موازنه وحشت به وجود می‌آورد. ولی زمانی که اسرائیل از همه خطوط قرمز عبور کرده است، راهبرد پلکانی و پاسخ مبهم مثمر ثمر نیست.

اگر این سخنرانی پس از حمله به بیمارستان باپتیسست و تظاهرات بی‌سابقه لبنانی‌ها انجام می‌شد، همسویی بیشتری حتی در داخل جامعه لبنان ایجاد می‌کرد و در طرف اسرائیلی نیز موازنه وحشت به وجود می‌آورد.



توهم خطرناک اسرائیل

حسین آیبیش؛ مترجم: محمد حسین باقی

«برگرفته از مجله آتلانتیک»



به عبارت ساده‌تر، پاک‌سازی افتضاحات آن وارد عمل نمی‌شود. اسرائیلی‌ها ممکن است احساس کنند که با توجه به اینکه حماس از سال ۲۰۰۷ غزه را کنترل کرده است، هیچ مسولیتی در قبال واقعیت‌های این منطقه ندارند. اما بقیه جهان می‌دانند که اشغال همچنان ادامه دارد، هرچند از آن‌سوتر از مرزهای نوار. اسرائیل در تمام مدت کنترل شدیدی بر آب‌های ساحلی غزه، حریم هوایی، امواج هوایی آن و همه گذرگاه‌های عبوری به نوار غزه به جز گذرگاه کوچکی که توسط مصر نگهداری می‌شود، داشته است. اسرائیل از سال

اسرائیل آنچه را که به نظر می‌رسد اولین مرحله از تهاجم زمینی گسترده به غزه باشد، آغاز کرده و وعده داده است که حماس باید از بین برود حتی به قیمت تکه‌تکه کردن غزه. اما پس از آن چه؟ بر اساس گزارش‌ها، مقام‌های اسرائیلی به دولت بایدن گفته‌اند که آنها در هیچ برنامه‌ریزی جدی پسا جنگ شرکت نمی‌کنند. این احتمالاً به این دلیل است که هیچ یک از گزینه‌های آنها خوب نیست و به‌رغم انبوهی از پیشنهادها، هیچ‌کس برای تحمل بار معضلات غیرممکن اسرائیل یا

این ابتکارات بود؛ اما در عین حال اصرار داشت که خلع سلاح نخواهد شد.

عباس به‌طور منطقی می‌ترسید که مسول جمعیت فقیر غزه باشد؛ اما بدون منابع کافی و در سایه یک گروه شبه نظامی به‌شدت مسلح قرار گیرد که می‌تواند هر زمان که بخواهد به خشونت روی آورد. اگر تشکیلات خودگردان در آن زمان از بازگشت به غزه می‌ترسید، اما اکنون و پس از یک جنگ زمینی ویرانگر مشتاق است که پشت سر نیروهای اسرائیلی وارد غزه شود. نیازهای غزه بسیار زیاد خواهد بود و دستیابی به قدرت بر پشت تانک‌های اسرائیلی، تشکیلات خودگردان را با «بوسه سیاسی مرگ» در میان فلسطینی‌ها مواجه خواهد کرد. شاید اگر طرف سومی پس از خروج اسرائیل از غزه برای مدتی امنیت را تأمین کند، تشکیلات خودگردان ممکن است مایل باشد برای جایگزینی آن وارد شود. اما پس از آن ما به نقطه اول بازمی‌گردیم: آن طرف سوم چه کسی خواهد بود؟

برخی از اسرائیلی‌ها به آرامی درباره بازگشت محمد دحلان، رهبر سابق فتح، در غزه صحبت می‌کنند که از زمان کنترل حماس بر غزه در سال ۲۰۰۷ در امارات متحده عربی در تبعید به سر می‌برد. دحلان هنوز در غزه طرفدارانی دارد؛ اما او در میان فلسطینی‌ها محبوبیت زیادی ندارد و با عباس و اطرافیانش روابط خوبی ندارد. بدون حمایت رام‌الله، دحلان نمی‌تواند به‌طور موثر تشکیلات خودگردان را در غزه به قدرت بازگرداند. درباره نیروهای حافظ صلح سازمان ملل چطور؟ یک ماموریت حافظ صلح سازمان ملل متحد را تصور کنید که مسوول جامعه‌ای کاملاً ویران شده است که

۱۹۶۷ تقریباً تمام تصمیمات اصلی را درباره غزه گرفته است از جمله تصمیم بی‌پروا و «خود ویرانگرش» برای تقویت حماس برای شکاف در حرکت ملی فلسطین بین اسلام‌گرایان مستقر در غزه و ملی‌گرایان سکولار در کرانه باختری.

اکنون اسرائیل که ظاهراً از این سیاست پس از حمله حماس در ۷ اکتبر پشیمان است، حمله‌ای را آغاز کرده که تقریباً به‌طور اجتناب‌ناپذیر بخش زیادی از غزه را به منطقه‌ای ویران تبدیل خواهد کرد. با این حال، ظاهراً هنوز امیدوار است که پس از آن عقب‌نشینی کند و قدرت محلی را به شخص دیگری واگذار کند؛ اما این سناریو یک سناریوی فانتزی است. هیچ طرف سومی به‌طور قابل قبولی مایل یا قادر به نظارت و بازسازی غزه به نمایندگی و در هماهنگی با اسرائیل نیست. یک پیشنهاد معمول این است که یک نیروی اعزامی یا پلیس، از کشورهای عربی باثبات، باید با خروج اسرائیل، از غزه محافظت کند. با توجه به موقعیت جغرافیایی و تاریخ مصر، این کشور باید نقش محوری در چنین تلاشی داشته باشد. اما مصری‌ها از سال ۱۹۷۹ اولویت سیاست خارجی خود را بازنگشتن به غزه عنوان کرده‌اند. آنها قصد تغییر نظر خود را ندارند. یکی دیگر از نامزدهای پیشنهادی، تشکیلات خودگردان فلسطین است. اما رژیم‌هایی که محمود عباس در رام‌الله رهبری می‌کند، از ورود مجدد به غزه پس از ویرانی‌های اسرائیل نفعی نمی‌برد. حتی در دهه قبل از این جنگ، عباس پیشنهادهای متعدد مصر مبنی بر تصدی وزارتخانه‌های دولتی در غزه توسط تشکیلات خودگردان یا تأمین امنیت در گذرگاه‌های فلسطینی به نوار را رد کرد. حماس به ظاهر مایل به پذیرش



شورش‌های برنامه‌ریزی‌شده علیه سربازان اسرائیلی، بازسازی زیرساخت‌ها و جامعه متلاشی‌شده بر اثر جنگ و حل مشکل طولانی مدت حکومتداری که حضور مسلحانه حماس تضمین کرده است، وارد غزه شود. اسرائیل تنهاست، بنابراین باید جایگزینی برای خروج سریع از غزه بیابد. در نتیجه به حماس اجازه می‌دهد تا حداقل به عنوان یک نهاد سیاسی دوباره ظهور کند و برای این شورش اجتناب‌ناپذیر بماند و به نبرد ادامه دهد. هر کاری که اسرائیل تصمیم بگیرد اکنون که حمله زمینی در غزه آغاز شده انجام دهد، باید بداند که هیچ امداد غیبی‌ای وارد نخواهد شد و آن را از عواقب انباشته اقداماتش از سال ۱۹۶۷ نجات نخواهد داد. وقتی گرد و غبار فرونشیند، اسرائیل برای مقابله با فجایع «خودتحمیلی‌اش» باید دست و آستین بالا بزند.

پیش‌تر هم کارآمد نبوده و در آستانه یک فاجعه انسانی است. حال تصور کنید که در حال نبرد با شورشی است که حماس آشکارا قصد دارد علیه اسرائیلی‌ها به راه اندازد و این یکی از دلایلی است که نیروهای اسرائیلی می‌خواهند پس از اتمام ویرانی‌اش، هر چه سریع‌تر از آن خارج شوند. سازمان ملل و کشورهای عضو آن تقریباً به‌طور قطع حاضر به پذیرش مسوولیت نظارت بر آوار و مراقبت از بیش از ۲ میلیون فلسطینی فقیر و عمدتاً آواره در یک منطقه کوچک و پرجمعیت که به ویرانه تبدیل شده است، نخواهند بود. هدف اصلی حماس از زمان تاسیس آن در سال ۱۹۸۷، تسلط بر جنبش ملی فلسطین، از جمله سازمان آزادی‌بخش فلسطین ... (با حضور ارزشمند دیپلماتیک بین‌المللی، وضعیت ناظر سازمان ملل، و بیش از هشتاد سفارت در سراسر جهان) بوده است. در راستای خدمت به این هدف، حماس امیدوار است که اسرائیل را به غزه بکشانند؛ جایی که بتواند شورشی طولانی علیه اشغالگران اسرائیلی ترتیب دهد. سپس حماس ادعا خواهد کرد که جنگ را به اسرائیل می‌برد؛ در حالی که ناسیونالیست‌های سکولار در کرانه باختری به انتظار مذاکراتی می‌نشینند که هرگز انجام نخواهد شد. این امر مسیر حماس برای رهبری در میان فلسطینیان است. اگر اسرائیلی‌ها دست به کار شوند، حماس به سادگی از طغیان برنامه‌ریزی شده دست نخواهد کشید. حماس این طرح را علیه هر قدرتی که به نظر برسد نماینده منافع اسرائیل باشد - اعم از عرب، سازمان ملل یا حتی فلسطین، اجرا خواهد کرد. هیچ طرف سومی قرار نیست برای مبارزه با



شکر تیری مقاومت
در منطقه‌ی غرب آسیا در عهد کمر افرا
بر برکت آرمین بدیده گامین منطقه بصیرت.

سید علی

رهبر انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله خامنه‌ای
۱۴۰۱/۲/۹